



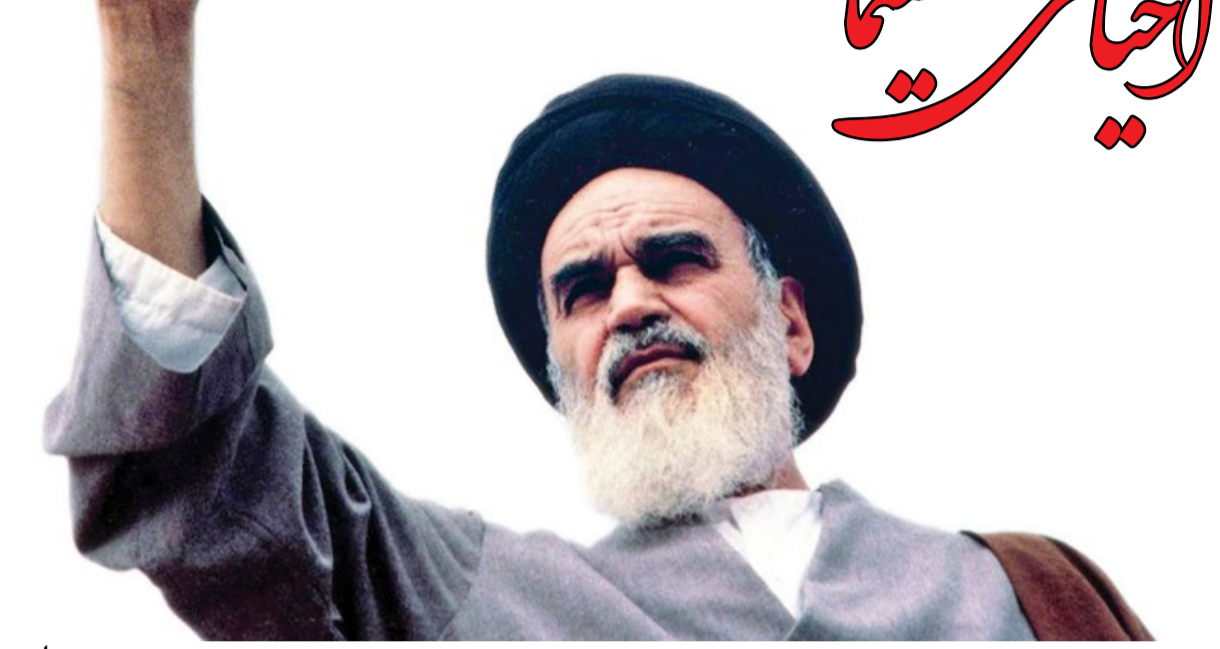
آنسان که وضعیت سینما در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی را به یاد دارند، تأثیر شگرف و دم مسیحی‌جایی امام خمینی(ره) بر هنر هفتم ایران زمین را بهتر درک می‌کنند. گرچه سینما در تمام دوران استمشاری اجزاری در جهت تخریب فرهنگ دینی مردم و تخریب روحیات انقلابی جوانان بود، اما در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به اوج انحطاط رسید و حتی دیگر مخاطب چندانی را نیز به سال‌های سینما نمی‌کشاند.

وضعیت آشفته و ضداخلاقی سینما در آن دوران برای سینماسازی از مردم جای تردید نگذاشته بود که با پیروزی انقلاب اسلامی به طور کلی بساط هنر هفتم از این دیار برچیده خواهد شد. اما حضرت امام در نخستین سخنرانی خودشان در ۱۲ بهمن ۵۷ با بیان جمله مشهور «ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم»، تکلیف این عرصه را روشن کرد. اینکه از یک طرف، انقلاب، بنای حذف هنر هفتم را ندارد و از طرف دیگر، سینما تنها با تعهد به ارزش‌های اخلاقی و انسانی مجاز به فعالیت در ایران نوین و انقلاب است. اتفاق مهمی بود که سبب تولد دوباره این هنر- صنعت در ایران شد. به این ترتیب و با پیوند سینما با مردم و ارزش‌های ملی و دینی کشورمان، درخشان‌ترین دوره هنر هفتم ایران به ثبت رسید. حتی‌الایرین آمار رجوع مردم برای تماشای فیلم به سال‌های نمایش فیلم، به سال‌های دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ برمی‌گردد.

امام راحل سینما را نجات داد، اما سینما برای امام چه کرد؟ امام سینما را از متجاملاب و مرگ به ورطه سلامت رساند، اما سینما هنوز نسبت به نجات‌دهنده خود ادای دین نکرده است. ادای دین سینما به امام خمینی لزوماً به معنای ساخت فیلم درباره آن حضرت نیست، بلکه سینمای ایران زمانی می‌تواند این دین را ادا کند که در مسیر متعالی و پویا حرکت کند.

نکنه جالب این است که هر سال در مناسبت‌هایی چون: دهه فجر یا نیمه خرداد، معنای این فرهنگ یا حضور در آرامگاه یا بیت امام خمینی(ره) با آن حضرت تجدید بیعت می‌کنند. غیر ممکن است که مدیران

در سایه وقاب سینما



محترم فرهنگی و سینمایی هنوز هم جمله انقلابی امام راحل که «ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم» را فراموش کرده باشند، اما آیا واقعا آنچه امروز تحت عنوان سینما در کشور ما جریان دارد با افق مدنظر بنیانگذار جمهوری اسلامی همراه یا حداقل نزدیک است؟ سینمایی که بخشی از محصولات رایجی جشنواره‌های خارجی می‌شوند و پیامی جز تحقیر ملت

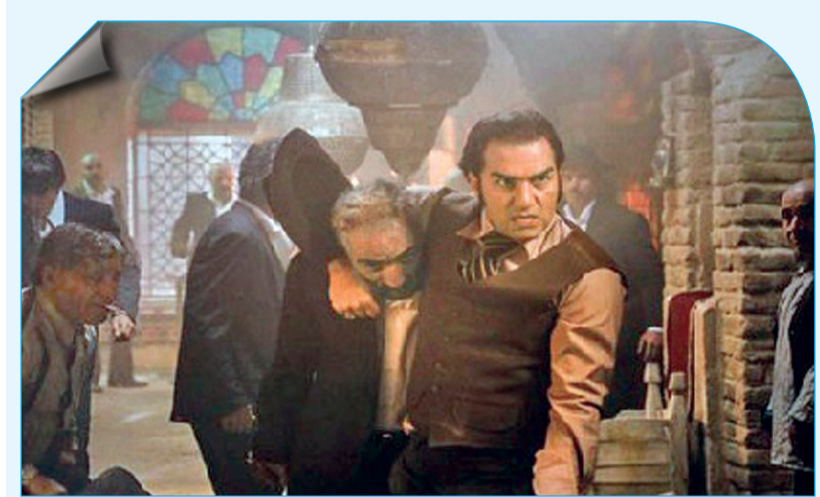
و کشورمان ندارند و بخش زیاد دیگری، مضامینی به شدت دم دستی و نازل دارند.

بدون تردید؛ مدیران فرهنگی و سینمایی کنونی نظام از هواداران راستین اندیشه‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی هستند، اما مسیر سینما ما طی سال‌های گذشته - از سال ۷۶ به این سو- خلاف ارزش‌های انقلاب و معمارش حرکت کرده است. سال‌هایی که به

مهدی امید

واسطه سوء مدیریت و تغییر سبک زندگی بخش اعظم اهالی هنر هفتم، بحران‌هایی بی‌دری به سینمای ایران تحمیل شد. واقعیت این است که دوری از شاخص‌های آرمانی سبب ایجاد این بحران‌ها شد. همچنان که دوری از این شاخص‌ها، سینما را مبتلا به رنج‌های فراوانی کرد، در زمان این دردها نیز رجعت و بازخوانی دوباره مطالبات امام خمینی(ره) از هنرمندان است.

بدرین شگ، گفتارها و نوشتن‌های امام، شاخص آزادی سینما از این گرفتاری هستند. اگر به آن بازگشتیم، می‌توانیم انتظار تحول در این عرصه را داشته باشیم، در غیر این صورت، گرفتاری ادامه دارد.



از جمله این موارد می‌توان به «سید جواد هاشمی» کارگردان و نویسنده و تهیه‌کننده سه‌گانه «هوی پشونی سید» با هم سه سوابق فیلم‌های دفاع مقدسی در برنامه‌های کودکان ویژه ماه رمضان، همچنین «محمد مسلمی» کارگردان سریال شبکه نمایش بان با نام «هشنگ خاله سوسکه» با سوابق مشخص در برنامه‌های کودک و نوجوانی، «فرماندهای تئاتر فجر، هنر، انسان، شایسته دو و «فیلهای» و موارد دیگر اشاره کرد. عمده چیزی که در این دو نمونه مشاهده می‌شود وجود رقص و آوازهای فراوان آن هم به صورت «مختلط» باشد.

آسیب‌شناسی سمینار آسیب‌شناسی جشنواره تئاتر فجر

همه چیز گفته شد غیر از اصل ماجرا!

سید کمال‌الدین حسینی ساوجی

که ر وک و صریح حرف می‌زنند و انتقاد می‌کنند! جالب است که مثلا بنابر محترم جشنواره که خود سال‌ها داور و متن‌خوان بازیبن جشنواره فجر و دیگر جشنواره‌ها بوده است از کارهای سال‌های قبل ایراد می‌گیرد، بخ خودشان یکی از همان افرادی بودید که داوری می‌کردید یا متن تصویب می‌رَد می‌نمودید. حال به درستی یا غلطی انتخاب شما به عنوان دبیر جشنواره فجر کاری ندارم که آن نیز جای حرف فراوان دارد. بگذریم.

یکی از نقاط اشتراک نظر سخنرانان سمینار آسیب‌شناسی جشنواره تئاتر فجر، انتقاد از فقدان بودن جشنواره است. آنها می‌گفتند در هیچ جشنواره‌ای در اروپا، جشنواره‌ها به طور رقابتی برگزار نمی‌شود و این مشکل بزرگی برای تئاتر فجر است! باید پرسید: اما ما را به اروپا چکار داریم؟ نانیاً می‌شود بفرومایید که رقابتی بودن چه مشکلی برای جشنواره فجر و به روز بودن آن است. و... ایجاد می‌کند؟ مگر به غیر از این است که برای هنرمندان ایجاد انگیزه می‌نماید؟ چه آسیبی می‌زند باشد چه اشکالی ایجاد می‌نماید و چه آسیبی می‌زند یا چنانچه غیررقابتی شود چه حاصلی برای تئاتر ما دارد و از چه آسیبی جلوگیری می‌کند؟ متأسفانه هیچ توضیحی در این باره بیان نشده و این پرسش‌ها را بی‌پاسخ می‌ماند!

واقعیت این است که مشکل جشنواره تئاتر فجر اصلا رقابتی بودن یا نبودن آن نیست؛ این مسئله در خصوص فحصر محلی از اعراب ندارد. اصلا فرض کنیم که از همین فردا اعلام کنند که جشنواره فجر در غیررقابتی است؛ خب چه مشکلی حل می‌شود؟ مگر این کار در برخی دوره‌ها نشد؟ پس از چند دوره همین آقایان فرمودند که ای بابا مگر جشنواره بدون جایزه و رقابت وستی می‌شود و اصلا برای چی باید در جشنواره‌ای



به بهانه برگزاری هفتاد و دومین جشنواره فیلم کن جشنواره سینمایی یا کازینو برای پولدارها؟

سعید مستغابی

هفتاد و دومین دوره جشنواره فیلم کن در حالی به پایان رسیده که فضای به اصطلاح لاس و کاسی، آن را هر چه بیشتر از یک جشنواره سینمایی دور ساخته بود. طی روزهای برگزاری جشنواره، گزارش‌ها و ارقام حیرت‌آوری از هزینه‌ها و سرگرمی‌ها و پول‌های کلانی که در حاشیه این جشنواره جا به جا می‌گردد و در واقع پرنرنگ‌تر از متن فیلمیک و سینمایی آن هستند، بیش از پیش، سوزۀ اخبار و روزهای داغ خبرنگاران و حاضران در این شهر سواحل جنوبی فرانسه شد.

در حالی که سینما دوستان این جشنواره در تب و تاب روایت سفارشی تاراتنیو از هالیوود به نام «روزی روزگاری در هالیوود» بودند و برخی به تماشای فیلم ضد اسلامی برادران دارن به نام «حمد جوان» نشستند و گروه دیگری در سالن نمایش فیلم جدید و البته کسالت‌بار و تقلیدی جیم جارموش یعنی «مرده‌ها نمی‌میرند» خویشان برد و بدرو المادوار برای فیلم اخیرش به اسم «رنج و افتخار» خواب نخل طلائی می‌دید، آن طرف‌تر و در حوالی ساحل کن و در کشتی ۱۳۷ متری میلیاردی معروف هدی بولی گفن، میهمانی ۴۰۰ میلیون دلاری برگزار شد! شرکت‌کنندگان در آن به قمار و می‌خواری پرداختند و البته در کنار آن، میهمانی‌های متعدد ساحلی کن با سرو شام ویژه و موسیقی و نورپردازی چشمگیر، هرکدام بالغ بر ۱۵۰ هزار دلار برای برگزارکنندگان‌شان هزینه داشتند! در سمت دیگر و در سوئیت‌های هتل گرانتیمت «مجستیک باربر»، به نام های «کریستین دور» و «مجستیک» میهمانان پولدار این سوئیت‌ها به ترتیب قیمت‌های ۵۶۱/۳۱ و ۷۴۹/۴۴ دلار را تجربه



کردند. این هتل که محل برگزاری مراسم بعد از افتتاحیه و اختتامیه جشنواره نیز بوده و هست، مبلغ ۳۲۷ هزار دلار برای مراسم فوق دریافت می‌کند که ۳۱۵ هزار دلار آن فقط مربوط به غذای شرکت‌کنندگان است! همه اینها علاوه بر مراسم قرمز و رژه به اصطلاح سلبریتی‌ها روی آن است که در واقع این لباس‌ها و جواهراتشان و برندهای سازنده آنهاست که شهرت و ارزش بسیار بیشتری دارند! به طوری که گفته شده برخی جواهرات آویخته شده به این افراد تا یک میلیون دلار می‌آزند!

و بالاخره اینکه گویا جشنواره برای محافظت از همین سلبریتی‌ها بعضا تا دو میلیون دلار هزینه کرده و هزینه‌های همه این متن و حواشایی که نخل‌های طلا و نقره ۲۷ هزار دلاری جشنواره را هم شامل می‌شود، علاوه بر اسپانسرها یا همان حامیان مالی از خود فیلم‌های متقاضی در جشنواره نیز دریافت می‌شود که گفته شده از ۵۰۰ هزار تا یک میلیون دلار برای هر فیلم آب خورده است.

پایان جشنواره با قوانین شداد و غلاظ

هفتاد و دومین جشنواره فیلم کن در حالی به پایان رسیده که پس از وضع قواعد اعتراض برانگیزی همچون ممنوعیت سلفی با دوربین و ممنوعیت ورود بدون کفش پاشنه‌بلند برای زنان و ممنوعیت ورود بچه‌های هنرپیشگان مگر با تقدیم ۲۰۰ یورو! به هنگام صدور رای هیئت داوران، معلوم شد که براساس قوانینی که امسال وضع شده، هیچ فیلمی نباید دو جایزه دریافت کند! یعنی مثلا یک فیلم هر چقدر هم فیلمنامه و کارگردانی خوبی داشته و از سایر فیلم‌های شرکت حاضر یک سر و گردن هم سترتر باشد، فقط می‌تواند یکی از آن دو جایزه را دریافت کند، به جز این اگر یکی از آن جوایز را دریافت کرد، دیگر نمی‌تواند جایزه بهترین فیلم را بگیرد! این یعنی فیلمی که جایزه بهترین فیلم را دریافت می‌کند، نه به عنوان بهترین فیلمنامه برگزیده شده و نه کارگردانی اش برتر شناخته شده است! پس واقعا چه عاملی باعث شده تا به عنوان بهترین فیلم و دریافت‌کننده نخل طلا شناخته شود؟! چهره زیبای فیلمساز؟ مدل موهای تهیه‌کننده یا جواهرات بازیگران؟! در واقع مهم‌ترین جشنواره هنری به جای رسیدن که به طور رسمی اعلام می‌کند «ما جوایز را تقسیم می‌کنیم تا کسی ناراحت و داخور از این جشنواره بیرون نرود» آنچه باعث می‌شد یک زمانی به جشنواره فیلم فجر ایراد بگیریم که چگونگی می‌شود فیلمی جایزه بهترین فیلمنامه و کارگردانی را دریافت کند ولی فیلم دیگری به عنوان بهترین فیلم شناخته شود! اما مگر مهمترین عناصر تعیین‌کننده برتری یک فیلم، به جز فیلمنامه و کارگردانی آن هستند؟

در حال جشنواره کن هم جایزه کارگردانی را به دولقوهای همیشه محبوب خود یعنی برادران دارن و فیلم ضد اسلامی «حمد جوان» داد که باب دندان اسپانسرهای آمریکایی و اصلی جشنواره بود! فیلم «پرتره یک زن در آتش» جایزه بهترین فیلمنامه را گرفت و نخل طلا به فیلم کرابی «گلگ» یا «پارزیت» رسید که گفته شده یک درام خوراکی با مایه‌های جشنونت اجتماعی است! جایزه بزرگ جشنواره که برخی آن را از نخل طلا هم با اهمیت‌تر می‌دانند به فیلم فرانسوی «اتلانتیک» ساخته فیلمساز سنگالی فرانسوی رسید که همان سوزۀ اصلی چند سال اخیر اتحادیه اروپا و برخی جشنواره‌های این قاره را داراست یعنی معضل پدیده مهاجرت برای اروپایی‌ها که آن را خصوصا از نسوی مسلمانان بسیار مصیبت بار القا می‌کنند و نخل طلائی فرانسوی «پیان» ژاک اودیبار در سال ۲۰۱۵ و سفارش ساخت فیلم «گذشته» به اصغر فرهادی در همان جشنواره نیز در همین راستا بود.

کسی شگفت‌زده نشد که تاراتنیو نتوانست موفقیت بیست و پنج سال پیش خود را در دریافت نخل طلا تکرار کند که شاید دیگر دورانش به پایان رسیده و فیلم‌های پسر و صدای ترنس مالیک و عبداللطیف کنیش کن لوچ و جیم جارموش هم هیچ جایزه‌ای دریافت نکردند. فیلم المادورا با هم همه امید به نخل طلا فقط وکن بازیگر مرد را بر جای آنونیو باندراس دربر داشت.



است چرا که هر کشوری شرایط خودش را به ویژه از منظر فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، آئینی و... دارد. فراموش نکندید جشنواره فجر ۱۰ روز است و جشنواره اوپنیشن یک‌ماهه، در فرانسه شهر اوپنیشن کلا در اختیار جشنواره قرار می‌گیرد پس اصلا این شرایط قابل قیاس با ما نیست. ضمن اینکه دعوت از تئاترهای خارجی اگر به دست اهالش یعنی حضور مدیری شایسته و مدیر در راس بخش بین‌الملل انجام شود و باز این مسئولیت مهم بین حلقه رفاقا تقسیم نگردد خواهد دید که نمایش‌ها و تئاترهای درخور و شایسته و حرفه‌ای به جشنواره دعوت خواهند شد که جنبه‌های آموزشی بسیار زیادی نیز دارند و به لحاظ مالی نیز مقرون به صرفه خواهند بود.

در پایانه‌ای یکی از سخنرانان که خود نیز در دوره‌هایی دبیر جشنواره فجر بوده است بیان نمودند که دیگر، اهداف جشنواره تئاتر فجر یا ۱۰ یا ۱۵ سال اول انقلاب بسیار متفاوت است!این حرف یعنی استاد بالادستی و اهداف از پیش تعیین شده نظام مخصوص و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص اهداف جشنواره فجر وایضا چرایی وجودی جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و هویت آن که ابتدا درخصوص بزرگداشت جشن‌های انقلاب اسلامی و اهداف عالی

^[1] در پایانه‌ای یکی از سخنرانان که خود نیز در دوره‌هایی دبیر جشنواره فجر بوده است بیان نمودند که دیگر، اهداف جشنواره تئاتر فجر یا ۱۰ یا ۱۵ سال

^[2] در پایانه‌ای یکی از سخنرانان که خود نیز در دوره‌هایی دبیر جشنواره فجر بوده است بیان نمودند که دیگر، اهداف جشنواره تئاتر فجر یا ۱۰ یا ۱۵ سال